



نشانه‌ای از باغبهشت

مهران هوشیار
عضو هیات علمی

چکیده:

بدون تردید ویژگی مشترکی که در تمامی هنرها باعث اعتلا و ماندگاری آنها می‌گردد، اهمیت دادن و توجه به بحث هماهنگی، تعادل و تناسب میان شکل و محتوای آثار است. یکی از کامل‌ترین هنرهایی که در حد اعلا خود نسبت صحیح میان این ارتباط را حفظ نموده و آن را جزء اصول اولیه و بنیادی خود قرار داده است، هنرهای ایرانی می‌باشد. هنری که در نهایت با پذیرش فرهنگ و آیین اسلام و نفوذ مفاهیم دینی و معنوی در بطن ساختار زیبایی‌شناسانه شکل‌ها و تکنیک‌های هنری به یکی از برجسته‌ترین و درعین حال متنوع‌ترین فرهنگهای هنری، یعنی هنر ایرانی - اسلامی بدل گشته و در تمام دنیا شناخته شده است.

البته رشد فرهنگ دینی و قداست معنوی از چنان اهمیت و اعتباری در این میان برخوردار شده است که به تدریج ارزش جغرافیایی و بومی این هنر، جای خود را به ساختار محتوایی و بیان معانی قدسی و الهی داد و امروزه دیگر هنر اسلامی خارج از محدوده مرزهای جغرافیایی از جمله در هند، مراکش، ایران، ترکیه و حتی اندلس بیش از آنکه مبین و معرف ملیت سازنده آن باشد معرف فرهنگ، آئین و اعتقادات عرفانی و اسلامی آفریننده آن است که همگی از سرچشمه واحدی سیراب می‌گردند.

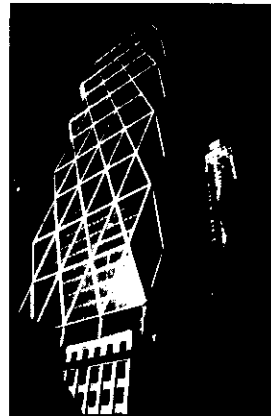
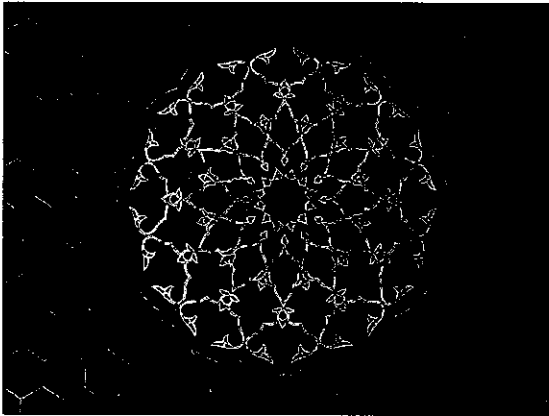
در میان هنرهای اسلامی، هنرهای تزئینی که زینت بخش فضای معماری و به خصوص مساجد می‌باشند، از ارزش معنوی و اعتبار موضوعی خاصی برخوردارند که در مجموعه مقالاتی که از این پس تقدیم می‌گردد، سعی شده، تا این مهم از منظری که نقش تزئین را در فرهنگ معماری اسلامی مشخص می‌نماید، مورد بررسی قرار گیرد. در نخستین بخش از این مجموعه به عنوان مقدمه، کلیات، معرفی مقدمات و همچنین جایگاه معنوی نقش مورد توجه قرار گرفته و تقدیم خوانندگان عزیز می‌گردد.

واژگان کلیدی:

فرهنگ ایرانی، هنر اسلامی، معماری، مسجد، تزئینات، عرفان، بهشت.



مجله پژوهش‌های معماری و تابستان ۸۶



تصویر ۱ - مسجد شیخ لطف الله
تصویر ۲ - بخشی از کاشی کاری
معماری اسلامی (مسجد جامع
یزد)

مقدمه

ایمان و اعتقاد به سرچشمه ابدی و ازلی در آفرینش نظام هستی و باور به حضور نیرویی ماوراء نظام مادی و زمینی، امریست که همواره نقطه اشتراک تمامی اعصار، اقوام و تک تک انسان های اندیشمند و آزاده در هر اقلیم

بشر بوده و نه تنها قلب و روح انسان را تعالی می بخشد، مسیر زندگی او را نیز به سوی سعادت رهنمون می سازد. به تعبیر دیگر اسلام همچون الگو و قالبی ثابت است که نقطه نظرات به آن جان داده و آن را به تمدن و فرهنگی پویا و زنده بدل ساخته است. براساس همین تفکر است که «مینورسکی»^۱ می گوید:

«دین اسلام بسان آئینه ای است که هر دسته از اقوام و نسل های مختلف، در آن آینه نگر بسته و آرزوها و خواسته های ملی خود را منعکس می بینند و از اینروست که می بینیم دین اسلام اثرات فوق العاده ای در بسیاری از عوامل فرهنگی، اقوام گوناگون از جمله زبان، صنایع مستظرفه، ادب، اخلاق، سیاست و تشکیلات اجتماعی و حقوقی داشته و دارد.»^۲

از جمله مبانی اصلی و مورد تأکید اسلام به پیروان خود، دعوت به نظم، انضباط و مدنیت است. مسلمانی که به زهد، تقوی، ایمان و تفکرات انسانی مجهز باشد، مکانی والا و شاخص میان جامعه داشته و از این توانایی و مقام همچون مرکبی چالاک و نیرومند برای هر چه نزدیکتر شدن به مقصد و منزل نهایی، یعنی وصال به معبود ابدی و دستیابی به کمال مطلق، سود می جوید.

از دیگر مبانی فرهنگ و هنر اسلامی، همچنین می توان به ارتباط و پیوند میان هنر و ایمان اشاره نمود، چراکه محور تمامی هنرهای قدسی (والا) بر پایه تعالیم پیامبر اسلام و مفاهیم آرمانی قرآن کریم استوار گردیده، تعلیماتی که معنویت را محورا اصلی و معنا را مرکز ثقل هنر قرار داده است.

تمامی فرهنگ و هنر ایران زمین، از جمله معماری به ویژه در دوران تمدن اسلامی با استفاده از همین تعلیمات و با تکیه بر اندیشه های متعالی آن و با الهام از سابقه دیرین خود، خلاقیت ها و آفرینش های هنری را با تعالیم و اعتقادات اسلامی درهم آمیخته و زیباترین، موزون ترین و متناسب ترین بناهای مذهبی و غیر مذهبی را از نظر ساختار

دین مبین اسلام بیش از هر مکتب، فرهنگ و آیین دیگر در دنیا، دربرگیرنده کلیه شئون و زوایای زندگی مادی و معنوی بشر بوده و نه تنها قلب و روح انسان را تعالی می بخشد، مسیر زندگی او را نیز به سوی سعادت رهنمون می سازد

و از هر نژاد بوده و هست. در فضای معنوی دنیای اسلام نیز این تفکر از پایه های اصلی تفکرات انسانی بوده و دارای ارزش و مرتبه ای والا است که در نهایت محور تمامی فعالیت و نیات، از جمله رابطه بین دین، زندگی، هنر و هنرمند می گردد. چنانچه «کارل جی. دوری»^۱ براین اعتقاد است و می گوید:

«هنر اسلامی، در زمینه های گوناگون دارای پایگاهی والا و چشمگیر بوده و منشاء فعالیت مسلمانان در جهان و مایه ربط هنر اسلامی با هنرش اصولاً توحید می باشد و هنرمند اسلامی تنها از یک منبع گرانقدر بهره می گیرد که آن قرآن کریم است و ایمان پیوسته نقش آفرین هنر اسلامی است و این چیز است که جاودانه معتبر خواهد بود.»^۲

با این مقدمه می توان چنین ادعا کرد که دین مبین اسلام بیش از هر مکتب، فرهنگ و آیین دیگر در دنیا، دربرگیرنده کلیه شئون و زوایای زندگی مادی و معنوی

ظاهری، روح معنوی و حتی جنبه های مصرفی و کاربردی بنا نهادند. این شکوه و درخشش از آن چنان ترکیب و هماهنگی برخوردار گردید، که جز با فلسفه عشق، ایثار و ایمان توجیه پذیر نمی باشد. تزئینات معماری ایرانی، اسلامی عرصه بروز چنان فضایی روحانی گردیده است که عناصر، اجزاء، ترکیب و نقوش آن چشم هر ناظری را می نوازند و روح او را به پرواز درمی آورد. گویی در تمامی آنها رازی است که حرکت از کثرت به وحدت را متجلی می سازد و این راز جز از تفکر واحدی که نشأت گرفته از مبانی ارزشی، در کنار تجربیات کسب شده در طی قرون و اعصار متمادی است، بر نخواهد خواست.

اما هر هنرمندی چه نقاش و صورتگر، چه آفریننده تندیس ها و ظروف سفالین و چه معمار، باید از ابتدا در ذهن خود تصویری آرمایی و الگویی بی نقص از نقش عشق و از جمال و زیبایی بی نظیر معشوق داشته باشد تا آنگاه تمامی توان و نیروی خود را جهت دستیابی یا نزدیکتر شدن به آن آمال و رویا بپروارند. چه زیبا و شگفت است که

**شاعر و هنرمند مسلمان می داند
پیش از آنکه به این دنیای مادی
تبعید گردد، شعر او در باغ بهشت،
دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود.
و آفرینش هنری او، با رگه هایی از
فطرت ازلی پیوند داشته و دارد**

تصویر آرمایی و رویایی تمامی هنرمندان مسلمان، در هر کجای جغرافیای این تمدن سترگ، هیچ نیست جز تصویر و کلام آشنای "بهشت". آری الگوی هر هنرمند و معمار در هنر اسلامی، رویایی است که از خانه ای در فردوس برین دارد و در جستجوی آن به هر کوچه ای ره می سپرد و هر دری را می کوبد.

در هنر دینی و اسلامی، هنرمند یک صورت ازلی را کشف می کند و آن را به صورت مجازی و خیالی در این عالم ابداع می کند. طلب و تمنای این ابداع در هنر اسلامی همگانی است.

شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد
دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود

شاعر و هنرمند مسلمان می داند پیش از آنکه به این دنیای مادی تبعید گردد، شعر او در باغ بهشت، دفتر

نسرین و گل را زینت اوراق بود. و آفرینش هنری او، با رگه هایی از فطرت ازلی پیوند داشته و دارد. لذا هنر دینی، اصیل و آرمایی، ربطی به خلق و نبوغ ندارد. «به نظر عرفا و حکیمان انسی، حقیقت شعر و هنر قدسی، طوری فوق طور عقل و نحوی القای روح القدس در قلب تلقی می شود. یعنی همان "الهام" که اختصاص به انبیاء و اولیاء پیدا می کند و این هنری است که در آن "علم اسرار" نهفته است.»^۵

وابستگی روح انسان به نیرویی آسمانی و متعالی باعث گردیده تا او تمامی سعی و تلاش خود را در جهت دستیابی و پیوند یافتن با این نیروی متافیزیکی و ماورایی به کار برده، از هر امکانی بخصوص مراسم آئینی و فرهنگی و هنر دینی، برای پرکردن شکاف میان دنیای خاکی و جهان افلاک بهره گیرد، این نیت گاه به صورت نمادین و صوری، همچون معابدی که سر به آسمان می ساینند و گنبدهایی عظیم و آبی رنگ که تقلید نمادگونه ای از آسمان نیلگون بوده اند، تجسم یافته است. چراکه «بنا بر کهن ترین اسطوره های سومری، نخستین کار آفرینش، برآوردن کوهها از میان آنها بود. بر همین اساس اعتقاد و باور تمامی ادیان به این است که پرستش مؤثر، نیازمند جایگاه بلندی می باشد که زمین را در زیر پای خویش واگذارد و پیوند نزدیک با نیروی آسمانی ایجاد کند. کوه با همه بلندی اش، استوار است، دسترسی به بالا را نوید می دهد و جایگاهی است که در آن موجوداتی فوق بشری نمایان می شوند.»^۶

توجه و علاقه انسان به بلندی و ارتفاع چنان بود که از هر بهانه ای برای حضور و اسکان خود بر فراز کوهها و تپه ها استفاده می نمود. از کاخ ها و قصرها گرفته تا زیگورات ها، معبدها، نیایشگاه ها و حتی مقبره ها. این باور و تمایل به صعود و عروج که بیشتر جنبه نمادین داشت با ظهور و حضور اعتقادات در آئین اسلام جنبه ای معنوی و مفهومی محتوایی به خود گرفت و در قالب مساجد، کانونی از فروتنی و سرسپردگی انسان را در برابر قدرت و عظمت معبود ازلی و ابدی با خصلتی عامیانه تر، صمیمی تر و با فرهنگی ساده اما با عظمتی خاص، تجسم بخشید. "مسجد" که بنا به اعتقاد بسیاری از محققان ایرانی برگرفته از همان واژه کهن، "مزگت" می باشد به معنای نیایشگاه است. جایگاهی که تا پیش از این با عنوان دیر، خورابه، محرابه، آتشکده و معبد از آن یاد می شد.^۷

«معماری مسجد و بناهای مذهبی ایران در ابتدای ورود اسلام به این سرزمین با موجی نو از ساختمان سازی آغاز شد و اگر چه هیچ بنای ایرانی از سده اولیه اسلامی باقی نمانده است اما سه نوع عمده مسجد در معماری اوایل دوران اسلامی ایران، شناسایی شده است:



تصویر ۳- زیگورات چغازنبیل،
نمایی از بنایی مذهبی پیش از
اسلام
تصویر ۴- نمایی از حیاط و مناره
مسجد جامع فهرج

۱- قبه، گنبدی به بالای اتاقی چهار گوش (آتشکده های ساسانی که برای عبادات اسلامی اختصاص یافته بود).

۲- ایوان باز، طاق ضربی ساده ای به سنت طاق کسری.

۳- صحن باز معروف به نقشه عربی محاط با رواقها. اما قدیمی ترین ساختمان اسلامی در ایران به تعبیری تاریخانه دامغان و مسجد جامع فهرج است که در اواخر سده دوم هجری ساخته شده و مظهری از عظمت، اعتماد، شکوه و درعین حال فروتنی است.^۱

اما معروفترین نقشه مساجد ایرانی را می توان مسجد چهارایوانی نامید که چهار نمای داخلی مسجد، توسط حیاطی مربع یا مستطیل شکل ایجاد می شود که در میان هر یک از این نماهای چهار گانه عنصری فرو رفته و مسقف به نام 'ایوان' خودنمایی می کند. هر یک از این ایوان ها به نوبه خود به تالاری وسیع باز می شود به ترتیبی که فضای رویایی مساجد ایرانی براساس الگویی چلیپایی، بستری مناسب برای بروز انواع تزئینات معماری به ویژه پوشش های الوان کاشیکاری از نوع معرق یا هفت رنگ به حساب می آید.

این فضای رویاگونه در معماری مساجد ایرانی که با تزئینات و آرایه های دل پسند و روح نواز چشم دل را از زمین به سوی آسمان می گشایند، نه براساس تناسبات انسانی و آرمان های کلاسیک در معماری معابد یونان و روم باستان است و نه همچون نقش و نگارهای پیچ در پیچ و اغراق آمیز دوران گوتیک و سبک های باروک. در بطن معماری و آرایه های ویژه مساجد ایرانی و اسلامی، روحانیتی جاریست که انسان عاشق را به یاد معشوق انداخته و مؤمنین را با معبود ابدی خود پیوند می دهد.

در برخورد با سطوح کاشیکاری مساجد و بناهای مذهبی اسلامی، خود را در برابر آئینه ای می بینیم که از درون آن سفری نمادین به سوی نور و روشنایی آغاز می شود. سفری که مقصد آن فراتر از اقلیم های مادی و زمینی که اقلیم هشتم، یا به قول شیخ اشراق، سهروردی، ناکجا آبادی است که معادل و مثالی قابل تجربه در این جهان برای آن

نیست

تابلوهای الوان و خوش نقش و نگار تزئینات و کاشیکاری در جای جای مساجد، هر یک پنجره ای است که رو به سوی ناکجاآباد مثالی گشوده می گردد به شرطی که آن را همچون آئینه ای صیقل یافته و زنگار مادیات زدوده و با چشم دل نگریسته شود. در نهایت «می توان این گونه استنباط نمود که مسجد ایرانی با حیاطی که نماد باغ محصور بهشت است و چهار ایوانی که در حکم مغاره های با طراوت است که استلاکتیت مقرنس های آن به عنوان سرچشمه های ابدی آب می جوشد و تشکیل چهار رودخانه بهشتی را می دهد، با سقف آسمانی آن که با انعکاس در آب های ازلی حوض مطهر کننده کره فلکی دربرگیرنده تمام گیتی را تشکیل می دهد، و سرانجام با گنبدی به شکل درخت زندگی، با شاخ و برگ های فراوان که سایه ای همیشگی و مطبوع می افکند، شهرهای ابدی را که مکاشفات عرفانی اسلام شیعی توصیف کرده اند، به یاد می آورند. این تغییر صورت عالمانه بنای مذهبی - نیایشی، تنها به کمک استفاده از تزئینات و بخصوص پدیده غنی کاشی هفت رنگ امکان پذیر شده است. پوشش نمادین و فنا ناپذیر مساجد متبرک ما، که آن را مشابه و متناظر با بهشت برین ساخته است، مدیون این پدیده هفت رنگ و هماهنگی رنگ های آن است. ساختار و برآیند همه هنرهای به کار رفته در مساجد را می توان در همین تزئین کاشی هفت رنگ دید، این کاشیکاری بخشی مهم و جدایی ناپذیری را در کل اثر تشکیل می دهد و از آن جهت، نقشی بنیادی و کارکردی در چشم آفرینندگان یا معماران هنرمند داشته و تمامی واقعیت وجودی خود را به اصل اثر وامی گذارد.»^۱

تمام سعی و تلاش هنرمند و معمار مسلمان، دستیابی به علم و دانش، شناخت و آگاهی است که برپایه آن زیباترین، کامل ترین و متعالی ترین قدرت تجسمی ذهن خود را از طاق، ایوان، گنبد، و چهارایوان مدینه فاضله ای که وعده دیدار آن در بهشت عدن، به او داده شده، ارائه نماید. هر طرح و نقشی که می زند بهانه ایست که او را

که از سرپنجه احساس نقش آفرین و یکتا معمار هستی در دستان نقاش، معمار، خطاط یا کاشیکار بروز می کرد و شکلی از زیبایی را بر پرده چشم هر بیننده اهل دلی می نشاند.

پرداختن به تک تک نقش و نگارهای مطرح در این هنر و بیان خصوصیات، ویژگی ها و فلسفه وجودی آنها بدون تردید ریشه در میانی دینی و عرفانی ما دارد و مجالی را می طلبد که این چند صفحه را می توان فتح باب و مقدمه ای دانست برای سلسله مقالاتی که از این پس پیرامون توصیف بخشی از تزئینات هنر ایرانی، اسلامی و به طور اخص تزئینات معماری مساجد ایرانی از جمله کاشیکاری، مقرنس سازی، گچبری، گره چینی، آئینه کاری و هزاران هزار ظریفی که هر یک قصه ایست برآمده از دل، ناله ای برآمده از هجر و امیددی به قصد وصل.



تصویر ۵- کاشیکاری مسجد گنبد کبود

به دنیای رویابیش نزدیک سازد، اما این همه شوق وصل در رسیدن به خانه دوست او را از پرداختن به ساخت و

تمام سعی و تلاش هنرمند مسلمان،
دستیابی به علم و دانش، شناخت و
آگاهی است که بر پایه آن زیباترین،
کامل ترین و متعالی ترین قدرت
تجسمی ذهن خود را از طاق، ایوان،
گنبد، و چهار ایوان مدینه فاضله ای
که وعده دیدار آن در بهشت عدن،
به او داده شده، ارائه نماید

سازهای مادی و رسیدن به مهارت های تکنیکی که لازمه بروز خلاقیت هر معمار و هنرمند چیره دست می باشد، دورن ساخته. او می کوشد آنچه را در تعلیمات آئینی خود و از پس راز و نیازهای معنوی به چشم دل دیده و با قلب خود حس نموده با سرانگشت ذوق و به مدد مهارت های تکنیکی و مادی مجسم ساخته و باز آفرینی کند به امیدی که لحظه ای از جمال مطلق بی زمان ازلی و ابدی را در اثر خود ثبت نموده و در این جهان پیش روی آورد.

این تجسم زیبایی و تکرار آن در تمامی فرم های خلاقانه هنر اسلامی، ویژگی مشترک و شاخصه ای اصلی است که تحت عنوان تزئینات در تار و پود هویت و محتوای فرهنگ و هنر ایرانی نیز وجود داشته و از زمان نضج هنر اسلامی در فرهنگ ایرانی، همچون ذکری تداعی کننده تمامی خاستگاههای روحانی و عرفانی هنرمند قرار گرفته است. تزئینات در هنر اسلامی، ایرانی بیش از مفهومی برای حظ بصری مخاطب یا ارضای حس زیبایی شناسی هنرمند به کار می رفت، تزئین بخشی از قداست کار هنری بود و به نوعی ارزش، اعتبار، احترام و شخصیت هنر و هنرمند در میزان پرداختن به ظرافت، دقت، زیبایی و تمیزی اثری بود

مطالعات فرهنگی
علوم انسانی

فهرست منابع:

- ۱- کلر جی دوری، هنر اسلامی، رضا بهیری، بساوی، تهران، ۱۳۶۸.
 - ۲- نینوس بزرگهارت، هنر اسلامی، ترجمه سمود رجب نیا، سروش، تهران، ۱۳۴۵.
 - ۳- محمد مندبوری، آشنایی با آراء متفکران، پژوهشکده هنر انقلاب اسلامی، سوره مهر، کتاب چهارم.
 - ۴- آرژان پوپ، معماری ایران، ترجمه علامه عسلی صدری افشار، فرهنگیان، تهران، ۱۳۷۰.
 - ۵- عسلی میرخانی، مسجد و نقش اجتماعی- فرهنگی آن در ایران، تهران، ۱۳۵۹.
 - ۶- هاری استیونز، تصفهان تصویر بهشت، ترجمه حمید ارجمند، فروزان، تهران، ۱۳۷۷.
- پی نوشت ها:
- ۱- Carl J. Dowry.
 - ۲- هنر اسلامی، کلر جی دوری، رضا بهیری، بساوی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳.
 - ۳- Minorsky.
 - ۴- هنر اسلامی، نینوس بزرگهارت، سمود رجب نیا، سروش، تهران، ۱۳۴۵، ص ۳.
 - ۵- آشنایی با آراء متفکران، محمد مندبوری، پژوهشکده هنر انقلاب اسلامی، سوره مهر، کتاب چهارم.
 - ۶- معماری ایران، آرژان پوپ، علامه عسلی صدری افشار، فرهنگیان، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۲.
 - ۷- مزنگه مزدکده - خله خدا - (در اردستان هنوز از این واژه برای خواندن مسجد جمعه استفاده می شود و آنرا "مزگ آدینه" می نامند).
 - ۸- مسجد و نقش اجتماعی- فرهنگی آن در ایران، عسلی میرخانی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۶.
 - ۹- معماری ایران، پوپ، ص ۷۸.
 - ۱۰- تصفهان تصویر بهشت، هاری استیونز، حمید ارجمند، فروزان، تهران، ۱۳۷۷، ص ۹.